



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۹/۰۷/۱۷



ولی احمد نوری

## بررسی جمهوری «محمد داؤد خان»

یادداشت:

مقاله را که در ذیل مطالعه می فرمائید به تاریخ ۱۷ جولای ۲۰۱۳ میلادی درست شش سال قبل توسط جناب "نصیر مهرین" در وبسایت رادیو صدای المان نشر شده بود که در همان وقت من آنرا از وبسایت "صدای المان" گرفته و به مناسبت چهلمین سال کودتای ۲۶ سرطان در وبسایت "افغان جرمن آنلاین" که در آنزمان اکثریت نشرات آنرا به دست داشتم، نشر نموده بودم. با مرور به آرشیف های شخصی ام به آن برخوردیم که حیفم آمد چرا آنرا دوباره در وبسایت "اریانا افغانستان آنلاین" که محصول زحمات این کمترین و دوستان عزیز و همکارانم می باشد، نشر نکنم. و آن همین است که در پایان مطالعه می فرمائید.



نیمه شب ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ شمسی کودتای بدون خونریزی به پادشاهی چهل ساله محمد ظاهر شاه نقطه پایان نهاد. سردار «محمد داؤد» خان در نخستین اعلامیه خویش با اعلام پایان نظام شاهی، از آغاز "نظام جمهوری" در افغانستان سخن گفت.

### کودتای ۲۶ سرطان، پیروزمند مصیبت زا

یادداشت: در این بخش بررسی حکومت های افغانستان، جمهوری «محمد داؤد» به بررسی گرفته میشود. این سلسله بررسی را نصیر مهرین، نویسنده مسایل تاریخی افغانستان انجام میدهد.

نخستین پرسشی که در مورد کودتای ۲۶ سرطان مطرح میگردد، اینست که کدام عوامل و انگیزه ها سبب شدند تا "محمد داؤد" دست به کودتا بزند. اینجا اینهم یادآوری شود که برخی آنرا نتیجه تباری شاه و «محمد داؤد» میدانستند (۲). در پاسخ به پرسش «چرا کودتا؟» نخست آنچه را که همواره کودتاچیان (معمولا کودتای خویش را انقلاب یاد میکنند) گفته اند از زبان «محمد داؤد» می آوریم و بعد فشرده بررسی خویش را به سایر جوانب آن جمهوری می پردازیم.

### ادعای محمد داؤد

«محمد داؤد» در نخستین اعلامیه رادیویی، انگیزه های کودتا و تصمیم جایگزینی نظام خویش را چنین توضیح داد: «ده سال پیش (سال ۱۳۴۱) من برای سعادت آینده وطن خود، جز قایم ساختن یک دیموکراسی واقعی و معقول که اساس آن بر خدمت به اکثریت مردم افغانستان برقرار باشد، راه دیگری سراغ نداشتیم و ندارم. . . نتیجه آن شد که آن امیدهای دیرینه و آرزوهای نیک به یک دیموکراسی قلابی که از ابتدا تهداب آن بر عقده ها و منافع شخصی و

طبقاتی، بر تقلب و دسایس و بر دروغ و ریا و مردم فریبی استوار گردیده بود، مبدل گردید. خلاصه اینکه دیموکراسی یعنی حکومت مردم به یک انارشیزم و رژیم سلطنت مشروطه به یک رژیم مطلق العنان مبدل شد». (۳)

«محمد داؤد» بار دیگر در باره سبب و دلیل کودتا چنین گفت: «برادران عزیز! چرا در کشور ما انقلاب شد. البته هیچ چیزی بی سبب و بی دلیل نبوده است. دلایل آن بهر فرد افغان معلوم است که عبارت از فساد اداری و بی عدالتی های اجتماعی و دیگر بدبختی ها بوده است». (۴) بر علاوه، داؤد خان نظام جمهوری خویش را موافق "روحیه حقیقی اسلام" یاد نمود. (۵)



## عوامل و انگیزه های اصلی کودتا

از نتیجه تأمل بر رویدادهای زمان استعفی او، همچنان نگرش بر نتایج مغایر با ادعا هایی که او نمود، اسباب و عوامل کودتا را باید در جای دیگری سراغ گرفت. دنبال نمودن این نیاز، بر میگردد به سوابق و یا آغاز دهه چهل شمسی. مدارکی که در زمینه میتواند روشنگر دریافت بحث های خاندان سلطنتی باشد، نامه هایی اند که «محمد داؤد» برای شاه نوشته است. از خلال آن نامه ها آشکار میشود که:

- داؤد خان طرحی را در نظر داشت که با نظام یک حزبی کشور را اداره کند. برای این منظور مقدمات طرح خویش را نیز تدارک دیده بود. (۶)

- شاه با رفتار خاص و عدم صراحتی که داشت، در عمل با طرح او روی موافقت نشان نداده بود. و چنانچه در "دهه دیموکراسی" دیده شد، شاه بگونه دیگری از حکومتداری در طی آن سال ها تمایل داشت.

از اینجاست که چگونگی اداره کشور را نخستین مورد اختلاف داؤد و شاه می توان شناخت. شاه پیشنهادهای کتبی و شفاهی صدراعظم داؤد خان را گرفت. اما از آنجایی که در پیشنهادها و صحبت های مغشوش آن وقت، کناره گیری صدراعظم نیز مطرح بود، داؤد استعفی داد. اما وی به این تصور بود که پس از ایجاد حکومت مؤقت و پایان کار آن، با رهبری یک حزب و داشتن وظیفه صدارت، دوباره قدرت را بدست می آورد. در حالیکه شاه با پذیرفتن کناره گیری او، راه دیگری را در پیش گرفت.

در واقع داؤد خان به امید بازگشت به قدرت بود که استعفی داد. و نه شخصی نبود که میدان مبارزه را ترک بگوید. سیر زندگی و روانشناسی او هم حکایت از آن دارد که شخصی نبود که به آسانی دست از قدرت بکشد. آنچه را که

در این مورد صدیق فرهنگ می نویسد، دقیقاً وصف حال اوست. فرهنگ نوشته است: «سردار محمد داؤد» از اشخاصی بود که در زندگی هرگز به مقام درجه دو راضی نمی شوند؛ و ترجیح میدهند که شخص اول در قریه باشند تا شخص دوم در کشور». (۷)

در واقع کنار زدن داؤد خان همزمان بود با موجودیت اختلافات داخلی حاکمیت خاندان سلطنتی. اختلافات روحی، شخصی و تصادم منافع قدرت طلبانه که همواره در میان اعضای خانواده های حکومتی وجود داشت، در زمان آغاز بحث ها میان خاندان سلطنتی، عامل اختلاف دو سردار نیز اثر گذار بود. داؤد خان، از قدرت یابی سردار عبدالولی رضایت نداشت. از این رو سردار عبدالولی هدف بالقوه حسادت و رشک او بود. (۸)

■ در چوکات اختلافات و تضادهای خاندان سلطنتی، محمد ظاهر شاه حسن توجه به داماد خویش (سردار ولی) داشت. در نتیجه این عامل هم «محمد داؤد» را تعذیب و تحریک می نمود.

■ وقتی قانون اساسی تهیه شد، ماده ۲۴ قانون اساسی، به نارضایتی های سردار داؤد و برادرش سردار محمد نعیم خان افزود. (۹)

■ داؤد خان را این دغدغه خاطر که شاه او را فریب داده است، آزار میداد و چون گریه در دل او جای داشت، نمی توانست روزگار خانه نشینی و از دست رفتن قدرت را تحمل کند. با آنکه شاه و داکتر محمد یوسف خان، هنگام تسوید قانون اساسی خاطر خواهی او و برادرش سردار محمد نعیم خان را در نظر داشتند، و از همین رو مسوده قانون اساسی را برای آنها فرستادند، (۱۰) اما «محمد داؤد» که هوای افکار و تصامیم خویش را داشت و به ضرورت محدودیت های صلاحیت های شاه اشاره نموده بود، در واقع با بی اعتنایی کنار نهاده شد.

■ در نتیجه آن اختلافات و با توجه به زندگی سیاسی، نظامی، سوابق رفتارها، خوی و عادات و علایق داؤد خان به قدرت، زمینه های اندیشیدن به کودتا برای او فراهم شد.

■ راه جویی حل آن عقده مندی ها، عدم موافقت سیاسی با نظامی که پس از صدارت او در جامعه چهره نمود، از داؤد خان محوریت کودتا را ایجاد نمود. سرانجام کودتای او پیروز شد.

## زمینه های پیروزی کودتای ۲۶ سرطان

ضعف و بی کفایتی حکومت و خاصتاً اردوی شاهی افغانستان، همیاری ها و اغماض و چشم پوشی تعدادی از مسؤولین امنیتی از تدارک کودتا، نقش محوری شخص داؤد خان، مصوونیت های خاندانی برای او و سوابق کار در اردو و صدارت، امکانات و آشنایی های مناسب را در اختیار او نهاده بود. افزون بر آن نارضایتی شکل گرفته نظامیان از اوضاع، عقده مندی ها و یا داشتن پندار رهایی از ناهنجاری های اجتماعی و معیشتی تعدادی از نظامیان، آرزومندی های «محمد داؤد» و همکاران کودتا چی او را تحقق بخشید. عدم مخالفت شاه با کودتا، فرستادن استعفانامه (۱۱)، و عدم دفاع از قانون اساسی که برای نگهداشت آن سوگند یاد نموده بود، پیروزی کودتا را تضمین نمود. بی تفاوتی اکثریت مردم و خوشنودی و همیاری محافل دوست شوروی در افغانستان، موفقیت کودتا را بهتر تضمین کرد.

## اقدامات و اجراءات نظام جمهوری

نخستین اقدامات، پایان دهی برخی از ساختارهای دهه دیموکراسی بود که به وسیله فرمان های «محمد داؤد» ابلاغ شد. مثلاً قانون اساسی و پارلمان لغو شدند. اعضای خاندان سلطنتی را محترمانه به ایتالیا فرستاد. عبدالولی را در حدود مورد نیاز در محبس نگهداشت و بعداً اجازه داد که به ایتالیا برود. فشارها بر شخصیت ها و محافلی که به مخالفت با شوروی شناخته شده بودند، اعمال گردید. تعدادی از افراد سرشناس به این اتهام که کودتا میکردند، بدون ارائه سند و مدرک، آزار دیدند و تعدادی محکوم به اعدام شدند. در این زمینه فعالیت های وزارت داخله چشمگیر بود. شایان یادآوری است که تعدادی از زندانیان سیاسی آزاد شدند. خرد ضابطان اردوی افغانستان به رتبه "دریم بریدمن" (ضابط سوم) ارتقا داده شدند. اما اقدامات و اجراءات نظام جمهوری با حفظ و تداوم نظام خود رایانه، به علت تفاوت و تغییراتی که در برخی موارد دید، طی دو مرحله بهتر نشانی می شوند:

- ۱- وحدت عمل داؤد خان با جناح پرچم و نزدیکی با شوروی، همزمان با تشدید مخالفت با پاکستان.
- ۲- گسست نسبی از شوروی و روی آوردن به چند کشور عربی و انصراف از سیاست اختلاف آمیز با پاکستان

## ۱ - مرحله اول

### الف - در زمینه سیاست داخلی

حکومت خودرایانه آزادی نسبی فردی، سیاسی و اجتماعی را ممنوع اعلام داشت. ادعاهای کودتا، دستگیری ها و اذیت و آزار مانند زمان صدارت سردار و زمان محمد هاشم خان، رائج شد. نمونه ها، مثال ها و اسناد متعددی از آن در دست است. (۱۲)

نظام جمهوری بعدتر در قانون اساسی آرای حاکمیت خود رایانه خود را چنین آورد: «هیچ کس نمی تواند با استفاده از حقوق و آزادی های مندرج این قانون اساسی به استقلال ملی، تمامیت ارضی، وحدت ملی، و به خواسته های منافع اکثریت مردم و یا به هدف های انقلاب ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ صدمه وارد کند». (۱۳)

در زمینه اقتصادی - تجاری، سخنان جدی تری گفته شد. وعده اصلاحات ارضی داده شد و سروی اراضی آغاز گردید. بر اساس اصلاحات مطروحه، زمینداران میتوانستند «۵۰ جریب زمین را برای خود نگهداشته و مازاد آن را به دولت در بدل معاوضه نقدی که در آینده به اقساط پرداخته میشد، باید تسلیم میکردند. . .» (۱۴)

قرار بود که برخی از برنامه های در نظر داشته با پلان های ۷ ساله تطبیق شوند. متن پلان ۷ ساله در سال ۱۳۵۵ انتشار یافت. پیشتر از آن ملی ساختن بانک ها اعلام شده بود. در مورد طرح اصلاحات ارضی و ملی ساختن بانکها، برداشتی شایان یادآوری است که "ملی ساختن بانکها و صنایع بزرگ و همچنان اقدامات اولیه به هدف اصلاحات ارضی، صاحبان سرمایه و زمینداران بزرگ را به تشویش انداخت. طوریکه در دو سال اول اکثر سرمایه های خویش را به ذرایع مختلف به خارج انتقال دادند». (۱۵)

مطبوعات غیر دولتی یک قلم ممنوع شد. روزنامه جمهوری که از تاریخ ۱۳ اسد ۱۳۵۲ به نشرات آغاز کرد، مبلغ آرزوها و افکار دولت بود. (۱۶)

«محمد داؤدخان» در بیانیه معروف "خطاب به مردم" از ضرورت تغییر و اصلاح برنامه های معارف یاد کرد و مانند حکومت های "دهه دیموکراسی" از محو بی سوادی وعده داد. مضامین درسی مکاتب تا حدودی مشابهت به زمانه سابق داشت. یکی از اصلاحات مورد نظر او بالا بردن صنوف ابتدائیه از شش صنف به هشت صنف بود. اما با این ادعا که تعدادی از شاگردان با سطح نازل مرحله ابتدائیه را پایان برده اند، وضع امتحان کانکور پس از صنف هشتم، تعدادی از شاگردان را از درس و مکتب محروم کرد. بلند رفتن کمیت مکاتب و مؤسسات تعلیمی که جزو برنامه های حکومت های قبلی نیز بود، عملی شد. کمیت مکاتب و مؤسسات و تعداد محصلان و استادان مکاتب و پوهنتون ها را در کتاب معارف عصری افغانستان تألیف محمد اکرام اندیشمند زیر عنوان معارف در سال های جمهوریت میتوان دریافت.

رونق بازار کار با مزد ارزان در ایران و چند کشور عربی، همزمان با تشدید بیکاری در افغانستان سبب روی آوردن تعدادی از مردم به آن کشورها شد. حکومت جمهوری با فراهم نمودن تسهیلات برای گرفتن پاسپورت، مهاجرت کارگران اقتصادی را آسانتر نمود.

## ب: در زمینه سیاست بین المللی

روابط قبلی با اتحاد شوروی در همه سطوح توسعه یافت. در واقع اتحاد شوروی بزرگترین کشوری بود که افغانستان زیادتین داد و ستد اقتصادی، تجاری، نظامی و فرهنگی را با آن داشت. داد و ستد تجاری بین دو کشور از سال ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۹ به شش برابر افزایش یافت. (۱۷)

با امریکا و ایران سیاست تقریباً عادی در پیش گرفته شد. شاه ایران در نخستین هفته های حیات جمهوری، به ایجاد شورش ها علیه داؤد خان و آزادی سردار عبدالولی می اندیشید. (۱۸) در حالیکه هر دو کشور امریکا و ایران مانند چین که شوروی را خطر بزرگتر معرفی میکرد، از چنان رابطه افغانستان با شوروی راضی نبودند.

پاکستان یگانه کشوری بود که دولت جمهوری افغانستان با آن از سر ناسازگاری خصومت بار رفتار داشت. در این اختلاف مهمتر از همه انگیزه های نپذیرفتن خط دیورند (نه بصورت کاملاً واضح از طرف داؤد خان، اما متحدین عمل با وی با شرکای قدرت، جناح حزب دیموکراتیک خلق افغانستان با صراحت نپذیرفتن خط دیورند را تبلیغ می نمودند) و ادعای دفاع از حقوق پشتون ها و بلوچ های داخل خاک پاکستان، بار دیگر به تیرگی روابط منجر شد. پاکستان نیز آرام ننشست. اما این بار برخلاف زمان صدارت محمد داؤد، از امکانات بیشتر زیر فشار قرار دادن او بهره مند بود. روی آوردن اعضای سازمان جوانان اسلامی به پاکستان، زمینه بیشتر وسیله فشار دولت پاکستان علیه دولت داؤد خان را مساعد نمود. همچنان عدم جانبداری کشورهای غربی و عربی از سیاست های محمد داؤد، پاکستان را طرف جانبداری بیشتر آنها قرار داد.

این مرحله با چنان شاخص ها، دیری دوام نیافت. زیرا «محمد داؤد» با فشارهای مخالفت آمیز محافلی مواجه شد که او را وابسته شوروی و دارنده عقاید کمونیستی می نامیدند. افزون بر آن برای تمویل برنامه های اقتصادی و اجتماعی به گرفتن قرضه از خارج محتاج بود. اتحاد شوروی نمیتوانست همه درخواست های او را لیبیک بگوید. پس ناگزیر چشم امیدواری بسوی بقیه منابع می برد. و این منابع نیز مانند شوروی قید و شرط های ابلاغ شده و یا ظریفانه بی داشتند. دولتمردان چند کشور دیگر نیز متوجه این نیاز و وضعیت بحران آلود دولت جمهوری بودند. در نتیجه پای

در میانی شاه ایران و هنری کیسنجر اثر خویش را گذاشت. «محمد داؤد» دست به چرخشی زد که مرحله دیگری از سیاست های حکومتداری او را نشان میدهد.

## مرحله دوم:

داؤد خان وزرای وابسته به جناح پرچم را از کابینه بیرون کرد. اما نظامیان فعال وابسته به حزب دیموکراتیک خلق افغانستان (ح. د. خ. ا) در اردو به فعالیت ادامه دادند. داؤد خان دست به عقب نشینی از برنامه های اصلاحی زد. برنامه مالیات مترقی جای برنامه اصلاحات ارضی را گرفت. (۱۹)

متعاقب مسافرت های پیهم و مساعد کننده از طرف نماینده خاص (برادرش محمد نعیم)، او به برخی از کشورهای عربی و ایران، مسافرت کرد. در همه مسافرت ها وعده های کمک و دریافت قرضه ها را بدست می آورد. وعده های دو میلیارد دلاری شاه ایران او را بیشتر مجاب نمود. (۲۰) به منظور تمویل کار پروژه هایی که در نظر داشت، به پاسخ مثبت برای دریافت قرضه از بانک انکشاف آسیایی و بانک جهانی موفق شد.

داؤد خان طی مرحله دومی ضمن گسست از چنان وابستگی به شوروی، سعی کرد تا جای مهر و نشانی را که به عنوان وابسته شوروی در جبین داشت، از ذهنیت ها بردارد. از آنرو بود که در چند مصاحبه و سخنرانی موضع گیری های معنی داری نمود. مثلاً، در هرات چنین گفت: «برادران! ایدیولوژی وارد شده هیچگاه به تنهایی به درد یک ملت نمی خورد». (۲۱)

این رویکرد که با علایم متباززی در زمینه گسست نسبی از وابستگی به شوروی و فاصله گیری با پرچمی ها مشخص میشود، پیوند با پذیرش طرح و توصیه بهبود مناسبات با پاکستان نیز داشت. خاموشی تبلیغات علیه همدیگر سر آغاز بهبود مناسبات میان دو کشور بود. اینبود که ذوالفقار علی بوتو به کابل آمد (۱۳۵۵) و در ماه اسد همان سال داؤد خان به پاکستان مسافرت کرد. سخنرانی هایش لحن دوستانه داشت. حتی در پیام روز جهانی حقوق بشر از پشتون ها و بلوچ ها یادی نکرد. اعلامیه مشترکی که میان سران دو کشور به امضاء رسید، نقطه بارزی از چرخش سیاست منطقه بی «محمد داؤدخان» بود. (۲۲) همزمان با آن به پذیرش همه جانبه طرح امنیت آسیایی که تحقق آن از آرزوهای اتحاد شوروی بود، روی موافقت نشان نداد.

پس از کودتای ضد بوتو به وسیله جنرال ضیاء الحق، داؤد خان آن کودتا را یک مسئله داخلی پاکستان نامید. (۲۳)

لویه جرگه که مطابق اقتضای آن، قانون اساسی و ریاست و افکار «محمد داؤد» را تأیید نمود، نیت و گام اصلی او برای زمامداری در افغانستان تحقق بخشید. حالت فوق العاده حکومت نظامی بعد از سه سال پایان یافت. پیش از تدارک لویه جرگه و بعد از آن گروه رفقای او سعی نمود تا حزبی را به نام "انقلاب ملی" تأسیس نماید که تا واپسین روزهای حیات جمهوری ره به جایی نبرد. (۲۴) در این وقت تبارز جناح بندی های جدیدی از همراهان او، چلنج های جدیدی را بار آورد...

پس از آن همه مسافرت ها و ایجاد تغییر در مناسبات با برخی از کشورهای جهان، در حالیکه نارضایتی سران کرملین و خلق و پرچم سیر فزاینده تری می یافت، زمینه های جلب رضایت مردم و مخالفین بالفعل فراهم نشد. داؤد خان در آخر حمل ۱۳۵۶ به شوروی رفت. مذاکرات رسمی او به دلیل تشبثات متکبرانانه برژنف، رهبر شوروی با برافروختگی پایان یافت و با دل آزردهی به افغانستان برگشت. (۲۵)

طی مرحله دوم زمامداری او، خلق و پرچم گام های تفاهم آمیزی برای حل اختلافات و تأمین وحدت برداشتند که به مشارکت برای سرنوشت جمهوری دواؤد خان انجامید. (۲۶)

در پایان فشرده بی از کلی ترین برداشت ها پیرامون جمهوریت را می آوریم: از جمهوریت و شخص «محمد داؤدخان» هم مانند همه حکومت ها و شخصیت ها برداشت یکسان وجود ندارد. در کنار ارزیابی هایی که از کارنامه های مستبدانه او است، او مدافعی نیز دارد. بعضی ها که راه و روش «محمد داؤد» را می ستایند، محور ابراز نظر شان را پذیرش «استبداد منور» تشکیل داده است. با این برداشت که او مستبد و دیکتاتوری بود که برای ترقی افغانستان می اندیشید. بر مبنای این برداشت، او به بقیه مردم به دلیل عقب ماندگی اجتماعی موقع مداخله و انتقاد در امور حکومت را نمیداد. از این منظر است که زمامداری او را در راه تعمیم و تحقق پاره بی از اصلاحات، وطنپرستانه و سزاوار ستایش میدانند. شخصیکه جامع ترین دفاع نظری را از این دریچه از «محمد داؤد» ارائه داده، عبدالصمد غوث در کتاب سقوط سلطنت است.

البته این گروه از حامیان او، در برابر آزادی های فردی و اجتماعی، آزادی بیان و احزاب نیز موقف مخالفت آمیز دارند. اما معمول است که این تعداد به سرکوب های بی لزوم قشر اصلاح طلب جامعه از سوی او، و به ناهنجاری های اجتماعی و مردم آزاری های زمانه حکومتداری او توجهی ندارند. همچنان زبان هایی را که سرکوب های استبداد بر جامعه تحمیل کرد، یادآور نمی شوند. این را هم نمیگویند که افغانستان از کاروان رشد و تعالی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی به دلیل ساختارهای خودرایانه او نیز آسیب های جبران ناپذیر دید.

تعداد معدودی تولد جمهوریت یا کودتای ۲۶ سرطان را به این دلیل می ستایند که نظام پادشاهی را سقوط داد. بدون اندک مکث به نتایج و پیامدهایی که جمهوریت بر جای نهاد. مبرهن است که هر نظام چه شاهی و چه جمهوری را نمیتوان از روی شکل آن به تایید و یا تردید گرفت. در گستره جهان کشورهای متعددی زیر نام جمهوری نیز دارنده همه اوصاف دیکتاتوری و یا استبدادی بوده اند. چه بسا نظام های که شاهی بوده اند، اما با مطلقیت و جهالت حکمرانده و همین حالا نیز حکمراوی دارند. همچنان که نظام های شاهی بودند و هستند که به آزادی های فردی و اجتماعی پایندی نشان داده اند.

کودتای ۲۶ سرطان با توجه به آن که حامل اندیشه ها و افکار مغایر با "دهه دیموکراسی" بود و رنگی از زمان سردار محمد هاشم خان و شخص «محمد داؤد» داشت، و با توجه به حمل وضعیتی در بطن خود، که موجد پدیده آبی تکان دهنده ترین حوادث در تاریخ کشور ما گردید، معبری شناخته میشود در جهت توسیع و تشدید استبداد. استبدادی که شناخت آن با بررسی کودتای ثور باید پیگیری شود.

یادداشت: این نوشته به دلایل فنی از سوی دفتر خلاصه شده و بخش پاورقی آن در نزد دفتر محفوظ است. نویسنده: نصیر مهرین

